

نقش انسجام خانواده در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان

فرشته میرزایی کوتنایی*^۱، عباسعلی حسین‌خانزاده^۲، فرهاد اصغری^۳، ایرج شاکری نیا

چکیده

در هر جامعه، سلامت کودکان و نوجوانان و بهداشت روانی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا از نظر روانی و جسمی سالم بوده و بتوانند نقش اجتماعی خود را بهتر ایفا کنند. بنابراین توجه به عوامل تأثیرگذار بر این گروه از جامعه که بخش عمده‌ای از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، یکی از مباحث توجه‌برانگیز روان‌شناسان در دهه‌های اخیر است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه انسجام خانواده و پرخاشگری فرزندان است. طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مشغول به تحصیل در دبستان‌های دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است، که تعداد ۲۵۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه انسجام خانواده سامانی (۱۳۸۱) و پرسشنامه پرخاشگری شهیم برای کودکان دبستانی (۱۳۸۵) استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین انسجام خانواده با ابعاد پرخاشگری جسمی ($r=-0.28$)، رابطه‌ای ($r=-0.34$)، واکنشی ($r=-0.42$) و پرخاشگری کل ($r=-0.41$) همبستگی منفی و معناداری وجود دارد ($p=0.0001$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حدود ۱۷ درصد از واریانس متغیر پرخاشگری توسط متغیر انسجام خانواده قابل پیش‌بینی است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که انسجام خانواده به طور معناداری با پرخاشگری رابطه داشته و می‌تواند تا حدی آن را پیش‌بینی کند.

کلیدواژه‌ها: انسجام خانواده، پرخاشگری، فرزندان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) Fereshteh.mirzaei62@gmail.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه گیلان

۳. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه گیلان

فرشته میرزایی کوتنایی، عباسعلی حسین‌خانزاده، فرهاد اصغری، ایرج شاکری نیا

بی‌شک، شکل‌گیری شخصیت و منش و رفتار هر فرد تحت‌تأثیر وراثت و محیط زندگی شخص است. ولیکن، درصد قابل‌توجهی از رفتار انسان‌ها اکتسابی است و در اثر یادگیری به‌خصوص در دوران کودکی شکل می‌گیرد. قشر عمده‌ای از جمعیت کشورمان را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. به همین سبب شناخت مسائل و مشکلات رفتاری این قشر، یکی از مباحث توجه‌برانگیز روان‌شناسان در دهه‌های اخیر است. آنها معتقدند که هیچ رفتاری بدون علت و مقدمه بروز نمی‌کند، بلکه معلول چندین عامل زمینه‌ساز است که مهم‌ترین آن، محیط زندگی نامساعد خانواده است. تجربه‌ای که فرد در اوایل زندگی در خانه با خانواده‌اش و به‌طور کلی با والدین خود دارد، به‌عنوان عوامل مهم و تعیین‌کننده فرایند تنظیم و سازش‌یافتگی شخص در طی دوران بلوغ و زندگی آینده وی هستند (شارما، ۲۰۱۲). خانواده، نخستین و مناسب‌ترین مکان نقش‌پذیری و کانون اصلی پرورش کودک است و مانند سیستم پویایی عمل می‌کند که اعضاء آن پی‌درپی با هم در تعامل‌اند و متقابلاً بر همدیگر اثر می‌گذارند. اختلال در عملکرد این نظام، موجب اختلال در رفتار اعضای آن می‌شود. به‌طوری‌که وجود الگوهای نامناسب در خانواده، روابط نادرست والدین با کودک از نظر مهرورزی و عاطفی، روابط خانوادگی گسسته و ناپایدار و عدم انسجام بین اعضای خانواده، تأثیرات مخربی در روحیه کودک به‌جا می‌گذارد؛ کودک در چنین محیطی، بیش از حد تحریک‌پذیر، مضطرب، پریشان و خودسرنزنش‌گر می‌شود و موجبات رشد الگوهای رفتار خصومت‌آمیز و پرخاشگرانه در کودک فراهم می‌گردد (نظیر و همکاران، ۲۰۱۲). در واقع، پرخاشگری^۱ احساس‌های منفی نشان داده شده توسط فردی است که در شرایط تنیدگی‌زا قرار دارد (سینگ، لاندی، هارمز و کریداد، ۲۰۱۱). از این رو، خانواده منسجم که ارتباط عاطفی عمیق بین اعضای آن وجود دارد، به‌عنوان یک عامل حفاظتی و واسطه‌ای در کارکرد روانی سالم کودکان و نوجوانان نقش مهمی ایفا می‌کند (جانگ و آلوارز، ۲۰۱۰؛ لیدی، گورا و تورو، ۲۰۱۰ و سینگ، لاندی، هارمز و کریداد، ۲۰۱۱).

پرخاشگری، از جمله مشکلات رفتاری است که حاصل خانواده‌های مشکل‌دار و ساختار ناسالم و ارتباط نامطلوب والدین با فرزندان است (آهنگرانزایی، شریفی‌درآمدی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰) و در میان واکنش‌های هیجانی، به دلیل پیامدهای فردی و اجتماعی‌اش توجه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است (هدایتی، ۱۳۹۰). پرخاشگری را رفتاری تعریف کرده‌اند که هدف آن صدمه زدن به خود یا به دیگری باشد. آن چه در این تعریف حائز اهمیت است قصد و نیت رفتارکننده است. یعنی یک رفتار آسیب‌زا در صورتی پرخاشگری محسوب می‌شود که از روی قصد و عمد به منظور صدمه زدن به دیگری یا به خود انجام گرفته باشد (کریمی، ۱۳۹۲). پرخاشگری می‌تواند به‌صورت رفتار آشکار- فیزیکی و کلامی^۲ مانند رفتارهای خصمانه، هل دادن، پرتاب اشیاء و... باشد یا به شکل تهدید به انجام این اعمال به‌صورت کلامی و خصمانه که زبانی است، نظیر ناسزاگویی، تحقیر کردن، مسخره کردن و داد و فریاد که به‌طور مستقیم موجب آزار دیگران می‌شود. همچنین می‌تواند به دو صورت واکنشی^۳ و پیش‌فعال^۴ بروز یابد. پرخاشگری واکنشی یا خصمانه پاسخی تهاجمی به یک تهدید و یا تحریک مانند، اقدامات تلافی‌جویانه درک شده است. در حالی‌که، پرخاشگری پیش‌فعال به‌عنوان رفتاری که پیش‌بینی‌کننده پاداش و منافع درک شده است، تعریف شده است (برگمن و همکاران، ۲۰۱۴). در مواردی که پرخاشگری به‌صورت به هم زدن روابط اجتماعی، رفاقت بین افراد، طرد و منزوی کردن سایر

1. Aggression
2. Physical and Verbal
3. Reactive
4. Proactive

کودکان به عمد از گروه و در نهایت آزار و اذیت او از طریق پخش شایعات و بدگویی و یا وادار کردن افراد به قطع ارتباط با فرد مورد نظر، بروز یابد، به آن پرخاشگری رابطه‌ای^۱ می‌گویند.

اگرچه توجه کمی به رفتار پرخاشگرانه دخترها شده است، اما پرخاشگری در میان دخترها پدیده جدیدی نیست. شواهدی وجود دارد که، اعمال پرخاشگرانه دخترها رو به افزایش است (مورتی، آدگرس و جکسون، ۲۰۰۴؛ اسنسن و پویمبروک، ۲۰۰۸). برخی از دانشمندان بر این باورند که دخترها می‌توانند بسیار پرخاشگرتر باشند، اگرچه به ندرت پرخاشگری فیزیکی ابراز می‌کنند (کارد، استاکی، ساوالانی و لیتل، ۲۰۰۸). بیشتر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دخترها به علت رشد زودتر هوش و مهارت اجتماعی و با توجه به ضعف جسمی نسبی با احتمال بیشتری از پرخاشگری رابطه‌ای و کلامی در روابط میان‌فردی استفاده می‌کنند (دوت، پاندی، پال، هزرا و دی، ۲۰۱۳). با این حال، پرخاشگری فیزیکی توسط دختران در حال تبدیل شدن به یک موضوع شایع‌تر در رسانه‌ها، پژوهش‌ها و دادرسی‌های ویژه نوجوانان است (اسنسن و پویمبروک، ۲۰۰۸). دخترها برای کسب احترام و قدرت از پرخاشگری فیزیکی استفاده می‌کنند. با این وجود، پرخاشگری فیزیکی دخترها هنوز هم کمتر از پسرها است (اسنسن و پویمبروک، ۲۰۰۸؛ میثی، قلعه‌تکی، غضنفری، دانشور فرد و محمدی، ۲۰۱۳). بی‌تردید شیوع پرخاشگری در فرزندان باعث نگرانی پدران و مادران و اولیای مدارس شده است. اگر پرخاشگری در سنین کودکی تحت کنترل قرار نگیرد، در سنین بعدی به خصوص در دوران بلوغ شدت بیشتری می‌یابد. هارپر^۲ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتایج دست یافت که کودکان پرخاشگر بیشتر مستعد ابتلا به مشکلات درون‌سازی و رابطه‌ای هستند و در دوران بلوغ، آنها به احتمال زیاد رفتار ضداجتماعی نشان می‌دهند. افزون بر این، بروز رفتار پرخاشگرانه در کودکی عاملی برای پیامدهای منفی شامل طرد همسالان و سازش‌نا یافتگی اجتماعی، افزایش احتمال ترک تحصیل و رفتارهای پرخطر در نوجوانی و بزرگسالی است (ویک، ۲۰۱۱؛ اکینسی، توپسوگلو، بیز، سابونسوگلو و برکم، ۲۰۱۱). به دلیل اهمیت محیط اولیه کودک در بروز مشکلات رفتاری آینده فرزندان، پژوهشگران برقراری محیطی گرم، صمیمی و منسجم در خانواده و رابطه محبت‌آمیز بین والدین و فرزندان را عاملی در جهت کاهش پرخاشگری کودکان می‌دانند (ایکس‌یو، فارور، زنگ، ۲۰۰۹؛ بروتمن و همکاران، ۲۰۰۹).

انسجام، به عنوان یکی از ساختارهای پرنفوذ خانواده، بعد مهمی برای تلاش جهت درک متقابل در میان اعضای خانواده است (حسین‌خانزاده، عیسی پور، یگانه و محمدی، ۲۰۱۳). خانواده منسجم، توسط جو خانوادگی حمایتی و تفاهم و درک اعضای آن شناخته می‌شوند، که اعضای آن تمایل به درک و کمک برای برطرف کردن نیازها و دغدغه‌های افراد خانواده دارند (نظیر و همکاران، ۲۰۱۲). پیوند و تعهد عاطفی، گرمی روابط و عواطف حاکم بر خانواده‌های منسجم در فرزندان آنها این احساس را به وجود می‌آورد که مورد پذیرش والدین هستند و والدین نسبت به خواسته‌های آنها حساس و مسئولند (ویکتور، برنات، برنسن، لاین، ۲۰۰۷). به طبع کودکی که در خانواده‌ای منسجم پرورش می‌یابد، گرمی روابط و عواطف و عشق و علاقه موجود و احساس مسئولیت و تعهد اعضا را به یکدیگر احساس می‌کند و در نتیجه خودش نیز در قبال خواسته‌های بقیه اعضا احساس تعهد می‌کند (زارع و سامانی، ۱۳۸۷). علاوه بر این، خانواده حمایت‌گر می‌تواند منبع بازخورد خزان‌های شناختی، هیجانی و رفتاری باشد. به طوری که کودکان و نوجوانان در شرایط مختلف می‌توانند با شیوه‌ای مؤثر برخورد کنند (شارما و جوشی، ۲۰۱۵). بررسی‌های

1. Relational Aggression
2. Harper, C. R.

انجام شده در زمینه انسجام خانواده گویای آن هستند که انسجام خانواده و میزان گرمی یا محبت والدین همواره دارای پیامدهای مثبتی برای فرزندان بوده است (رزمی، ۱۳۸۳؛ جمشیدی، ۱۳۸۴؛ به نقل از جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۷). در این راستا، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وجود انسجام، کاهش تعارض و پشتیبانی خانواده باعث افزایش سازش‌یافتگی روانی فرزندان (اسبسیگو و دل آگلیو، ۲۰۱۲)، کاهش پرخاشگری (تایلر و همکاران، ۲۰۱۴؛ لی، پوتالاز و سو، ۲۰۱۱؛ فانگ و همکاران، ۲۰۱۰) بهبود رفتار اجتماعی (روچی، ۲۰۰۹) و مشکلات برون‌سازی شده کمتر فرزندان (ریچموند و استاکر، ۲۰۰۶) می‌شود.

یافته‌های مطالعات انجام شده، وجود رابطه معنادار و منفی میان انسجام خانواده و پرخاشگری فرزندان را تأیید می‌کنند (امانین، وصالی، دارابی و اسدی، ۱۳۹۱؛ راهجویان، ۱۳۹۲؛ لیات و یال، ۲۰۱۲). حاجی-زاده کاس احمدانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود بر روی دانش‌آموزان ابتدایی و والدین آنها نشان داد که بین تعارض والدین که یکی از ابعاد انسجام خانواده است با پرخاشگری فرزندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین نحو که هر چه روابط زناشویی ضعیف‌تر باشد، بر رابطه والدین با فرزندان تأثیر گذاشته و ارتباط عاطفی کمتر می‌شود و به دنبال آن کودکان با افزایش اختلال‌های رفتاری چون پرخاشگری مواجه می‌شوند. در همین رابطه، نتایج پژوهش نوروزی (۱۳۸۲) حاکی از تأثیر مثبت سبک رفتاری خانواده‌های منسجم، صمیمی و پاسخ‌گو، و تأثیر منفی سبک رفتاری خانواده‌های بی‌تفاوت و مستبد و آشفته بر سلامت روانی دانش‌آموزان و رفتارهای پرخاشگرانه است. همچنین در تحلیل رگرسیون نشان داده شده است که خانواده‌های منسجم، صمیمی و پاسخ‌گو قادر به پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان به‌طور معناداری هستند. در همین راستا، رضایی و چراغی (۱۳۹۰) در پژوهش خود در میان ۸۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی نشان دادند که بین انسجام خانواده با پرخاشگری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. لوسیا و برسلا (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که انسجام خانواده و تعارض درون خانواده پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری کودکان از جمله پرخاشگری است. همچنین سطح بالای انسجام خانواده، محافظ مشکلات رفتاری کودکان است. به همین منظور، نتایج یافته‌های شارما و جوشی (۲۰۱۵) نیز نشان داد که وجود انسجام و روابط حمایتی بین اعضای خانواده، سازماندهی بهتر محیط خانواده و همبستگی اعضا با حفظ استقلال فردی با سازش‌یافتگی اجتماعی رابطه مثبت و معنادار و با رفتارهای پرخاشگرانه رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین محیط خانواده پیش‌بینی‌کننده قوی سازش‌یافتگی و پرخاشگری فرزندان است. در این خصوص، سیجتسیما^۱ و همکاران (۲۰۱۳) هم در پژوهش خود با هدف تعیین اثر انسجام خانواده بر رفتار پرخاشگرانه به این نتیجه دست یافتند که اثرات کم تا متوسط انسجام خانواده پایین با سطوح بالاتر پرخاشگری، قانون‌شکنی و سطوح پایین‌تر رفتار اجتماعی رابطه دارد. نتایج پژوهش تایلر، مریلس، گوک-موری، شیرلو و کامینگز (۲۰۱۴) نیز در این زمینه حاکی از آن است که بین پرخاشگری نوجوانان و انسجام خانواده رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین انسجام خانواده پیش‌بینی‌کننده قوی پرخاشگری فرزندان به‌ویژه دخترها است.

با توجه به نقش مهم خانواده و الگوهای ارتباطی و عاطفی حاکم بر آن و پیامدهای نامطلوب پرخاشگری در حال و آینده و وجود خلاء پژوهشی در این زمینه، مانند: تمرکز بیشتر بر پسران در مقایسه با دختران، محدود بودن پژوهش در این سنین، عدم وجود پژوهشی که به‌طور مستقیم رابطه انسجام خانواده و پرخاشگری فرزندان را مورد بررسی قرار دهد، پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش رابطه

1. Sijtsema, J. J.

نقش انسجام خانواده در ...

انسجام خانواده و پرخاشگری فرزندان در سنین دبستان (پایه پنجم) و در بین دانش‌آموزان دختر با تأکید بر نقش خانواده، درصدد پاسخدهی به این مسئله اساسی است که آیا بین انسجام خانواده پرخاشگری فرزندان رابطه وجود دارد؟ آیا انسجام خانواده می‌تواند پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی کند؟ چه بسا با آگاهی والدین از نقش مؤثر و اساسی خود در پرخاشگری فرزندان، در صدد اصلاح الگوی ارتباطی خود با اعضای خانواده برآیند.

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مشغول به تحصیل در دبستان‌های دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است، که تعداد آنها ۱۳۵۸ دانش‌آموز است. از این جامعه، تعداد نمونه ۲۵۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند.

ب) ابزار پژوهش: جهت سنجش انسجام خانواده از پرسشنامه انسجام خانواده سامانی (۱۳۸۱) استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس مجموعه‌ای از متون موجود در باب همبستگی و با اقتباس از مدل ترکیبی السون (۱۹۹۹) به‌وسیله سامانی (۱۳۸۱) تهیه شده است. این آزمون دارای ۲۸ گویه است و در مقابل هر گویه طیف لیکریتی (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) وجود دارد. برای هر گویه نمره‌ای از ۱ (برای کاملاً موافقم) تا ۵ (برای کاملاً مخالفم) در نظر گرفته شده است. بیشترین نمره قابل اکتساب در این آزمون ۱۴۰ و کمترین ۲۸ بود. مطالعه مقدماتی رضویه و سامانی (۱۳۷۹) در خصوص این مقیاس بر اساس ۸ عامل (همبستگی با پدر، مادر، مدت تعامل، مکان، تصمیم‌گیری، ارتباط عاطفی، روابط زناشویی و رابطه والدین با فرزندان)، حاکی از کفایت این مقیاس برای ارزیابی همبستگی فرد با والدین بود. ضریب آلفا ۰/۹۰٪ و ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰/۷۹٪ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر نیز جهت تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن ۰/۶۰٪ به‌دست آمد. برای بررسی پرخاشگری، از پرسشنامه پرخاشگری شهیم (۱۳۸۵) برای کودکان دبستانی استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه چهار گزینه‌ای در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای و آشکار و دارای سه خرده-مقیاس پرخاشگری جسمانی (۷ گویه)، پرخاشگری واکنشی کلامی و پیش‌فعال (۶ گویه) و پرخاشگری رابطه‌ای (۸ گویه) است که توسط معلم تکمیل می‌شود (شهیم، ۱۳۸۵). در پژوهش شهیم (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱٪ و بسیار مطلوب است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرخاشگری جسمانی، رابطه‌ای و واکنشی کلامی به ترتیب ۰/۸۵٪، ۰/۸۹٪ و ۰/۸۳٪ است. ارزیابی روایی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عامل با محور اصلی و به دنبال آن چرخش مایل گویه‌ها، منجر به استخراج سه عامل با ارزش ویژه بیشتر از ۱ گردید و ۵۹٪ واریانس را تبیین نمود. در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱٪ و ضریب آلفای کرونباخ برای پرخاشگری جسمانی، رابطه‌ای و واکنشی کلامی به ترتیب ۰/۸۴٪، ۰/۹۰٪ و ۰/۸۲٪ به‌دست آمد.

نتایج

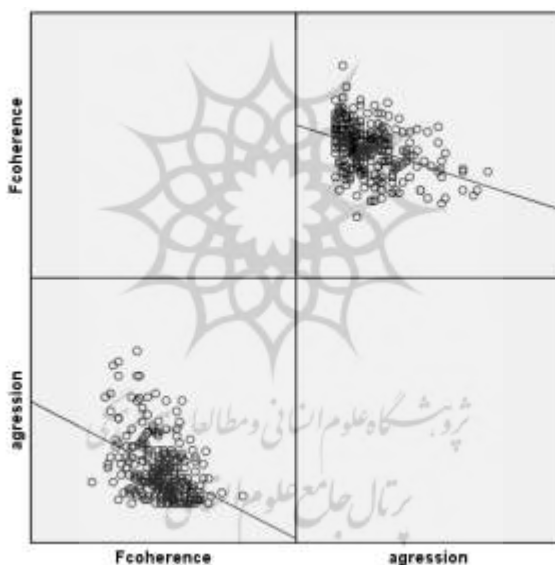
جهت بررسی ارتباط انسجام خانواده با پرخاشگری و ابعاد آن، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج مربوط به آن در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون میان انسجام خانواده و پرخاشگری و ابعاد آن

متغیرها	انسجام خانواده
پرخاشگری جسمی	$-.0/28^{**}$
پرخاشگری رابطه‌ای	$-.0/34^{**}$
پرخاشگری واکنشی	$-.0/42^{**}$
پرخاشگری	$-.0/41^{**}$

* $P < 0.01$

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که بین انسجام خانواده با ابعاد پرخاشگری (جسمی، رابطه‌ای، واکنشی) و پرخاشگری کل، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. جهت بررسی قابلیت پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان از روی انسجام خانواده، از آزمون رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان استفاده شد. پیش از ارائه نتایج رگرسیون، جهت بررسی پیش‌فرض وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته از نمودار پراکندگی استفاده شد. نمودار زیر نتایج بررسی این پیش‌فرض را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. نمودار پراکندگی انسجام خانواده و پرخاشگری

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نمودار حاکی از وجود رابطه خطی میان متغیرها است. در گام بعدی جهت بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد. بر اساس یافته‌های حاصل از این آزمون، متغیرهای مطالعه بین $1/5$ تا $2/5$ بود؛ از این‌رو این پیش‌فرض آزمون نیز تأیید شد. به منظور بررسی عدم وجود هم‌خطی چندگانه، از ضریب عامل تورم واریانس استفاده شد بر اساس داده‌های این آزمون، ضریب عامل تورم کمتر از 10 بود. بنابراین پیش‌فرض هم‌خطی چندگانه داده‌ها نیز تأیید شد. آماره دوربین و واتسون برای سنجش عدم همبستگی درونی مشاهدات استفاده می‌شود. این مقدار بین صفر تا چهار در نوسان است و هر اندازه به مقدار دو نزدیک تر باشد مناسب‌تر است. در این آزمون مقدار

آماره برابر با ۱/۸۰۶ است که به مقدار دو نزدیک است و حاکی از عدم همبستگی درونی مشاهدات است (جدول شماره ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون‌های دوربین- واتسون و ضریب عامل تورم واریانس

متغیر	آماره دوربین- واتسون	ضریب عامل تورم واریانس
انسجام خانواده و پرخاشگری	۱/۸۰۶	۱/۰۰۰

پس از بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون، جهت بررسی قابلیت پیش‌بینی پرخاشگری از روی انسجام خانواده از آزمون تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد.

جدول ۳. شاخص‌های تحلیل واریانس یک‌راه جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	P	R	R ²	SE
رگرسیون	۷/۸۱۵	۱	۷/۸۱۵	۵۲/۴۰۴	۰/۰۰۰	۰/۴۱۵	۰/۱۷۲	۰/۴۶۸
باقیمانده	۳۷/۵۸۲	۲۵۲	۰/۱۴۹					
کل	۴۵/۳۹۷	۲۵۳						

متغیر پیش‌بینی کننده: انسجام خانواده متغیر ملاک: پرخاشگری

با توجه به نتایج جدول بالا که نتایج تحلیل رگرسیون با شیوه ورود همزمان را نشان می‌دهد و به منظور تعیین سهم متغیر انسجام خانواده (متغیر پیش‌بین) بر واریانس پرخاشگری (متغیر ملاک) انجام گرفته است، داده‌های مربوط به پیش‌بینی این عامل با استفاده از انسجام خانواده نشان می‌دهد که این متغیر پیش‌بین معناداری برای پرخاشگری است؛ (۰/۱۷۲ = مجذور ضریب همبستگی و $P < ۰/۰۰۱$ و $F = ۵۲/۴۰۴$ و $t = ۱۷/۲۲$). مقدار مجذور همبستگی نشان می‌دهد که حدود ۱۷ درصد از واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش‌بین قابل پیش‌بینی است.

جدول ۴. شاخص‌های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان

متغیر	ضرایب استاندارد نشده	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳/۱۵۶	۰/۲۳۳		۱۳/۵۳۲	۰/۰۰۰
انسجام خانواده	-۰/۰۱۸	۰/۰۰۲	-۰/۴۱۵	-۷/۲۳۹	۰/۰۰۰

یافته‌های جدول ۴، ضریب تأثیر انسجام خانواده ($\beta = -0/415$) با توجه به آماره‌های t را نشان می‌دهد، که این متغیر قادر است با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مرتبط با پرخاشگری را در افراد گروه نمونه پیش‌بینی نماید. بدین ترتیب، یافته‌های به دست آمده از توان پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان از روی انسجام خانواده حمایت کردند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه انسجام خانواده با پرخاشگری فرزندان انجام شد. نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که همبستگی منفی و معناداری بین انسجام خانواده با ابعاد پرخاشگری جسمی، پرخاشگری رابطه‌ای، پرخاشگری واکنشی و پرخاشگری کل وجود دارد. بنابراین، یافته‌ها از وجود ارتباط بین انسجام خانواده با پرخاشگری فرزندان حمایت کردند، به این معنا که انسجام خانواده بالا با پرخاشگری کمتر فرزندان همراه است. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌های خارجی و داخلی از جمله (لوسیا و برسلا ۲۰۰۶؛ استوز، امر، ساوا و اینگلز، ۲۰۰۸؛ لیدی، گورا و تورو، ۲۰۱۰؛ فانگ و همکاران ۲۰۱۰؛ آل-کویسی و ترکی، ۲۰۱۱؛ لی، پوتالاز و سو، ۲۰۱۱؛ لیات و یال، ۲۰۱۲؛ لی، ۲۰۱۲؛ شارما، ۲۰۱۲؛ سیجتسیما و همکاران ۲۰۱۳؛ تایلر، مریلس، گوک-موری، شیرلو و کامینگز، ۲۰۱۴؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ شارما و جوشی، ۲۰۱۵؛ نوروزی، ۱۳۸۲؛ قره‌باغی، ۱۳۸۹؛ رضایی و چراغی، ۱۳۹۰؛ امانیان، وصالی، دارابی و اسدی، ۱۳۹۱؛ حاجی‌زاده کاس احمدانی، ۱۳۹۲؛ راهجویان، ۱۳۹۲ و حق‌دوست، ابادری، عباس‌زاده و درتاج رابری، ۲۰۱۴) همسویی دارد. همسویی بین یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های دیگر نشان‌دهنده این واقعیت است که انسجام خانواده و عدم تعارض و تنش در محیط خانواده منجر به عدم بروز مشکلات رفتاری چون پرخاشگری فرزندان می‌شود.

نتایج پژوهش نوروزی (۱۳۸۲) حاکی از تأثیر مثبت سبک رفتاری خانواده‌های منسجم، صمیمی و پاسخ‌گو، و تأثیر منفی سبک رفتاری خانواده‌های بی‌تفاوت و مستبد و آشفته بر سلامت روانی دانش‌آموزان و رفتارهای پرخاشگرانه است. در همین راستا، امانیان، وصالی، دارابی و اسدی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هر چه میزان ارتباط عاطفی و ابراز عواطف در میان اعضای خانواده بیشتر باشد، اعضا نسبت به حل مسائل و مشکلات همدیگر مسئول باشند و از عهده نقش‌ها و وظایف خود نسبت به برطرف کردن نیازهای روزمره و احساسی همدیگر برآیند، از میزان بروز رفتارهای پرخاشگرانه کاسته می‌شود.

نتایج پژوهش آل-کویسی و ترکی (۲۰۱۱) نیز حاکی از آن است که انسجام بالا و تعارض کمتر در خانواده‌های کودکان بدون مشکلات رفتاری و انسجام کم و تعارض بالا در خانواده‌های کودکان مبتلا به مشکلات رفتاری وجود دارد. سیجتسیما و همکاران (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که اثرات کم تا متوسط انسجام خانواده پایین با سطوح بالاتر پرخاشگری، قانون‌شکنی و سطوح پایین‌تر رفتار اجتماعی همراه است.

در تفسیر رابطه به دست آمده می‌توان این‌گونه استنباط نمود که انسجام خانواده اشاره دارد به توانایی خانواده برای همکاری و حمایت اعضای خانواده از یکدیگر به عنوان منابع عاطفی در دسترس و تأیید، که به‌ویژه والدین برای فرزندان فراهم می‌کنند. در چنین خانواده‌ای، حمایت، صفا و صمیمیت، کنترل و نظارت والدین بر رفتار فرزندان بیشتر است، درگیری کمی بین اعضا و در میان والدین وجود دارد، جلسات بحث گروهی جهت عقده‌گشایی، تخلیه احساسات، تفاهم جمعی تشکیل می‌شود و تمایلات تهاجمی بیشتر

سرکوب می‌شود. از این‌رو وجود چنین شرایطی در درون هر خانواده به الگوهای ارتباطی مؤثر در آن خانواده منجر می‌شود. کودکان بهتر می‌توانند از سیستم‌های حمایتی خانواده استفاده کنند و فرصت می‌یابند بدون نگرانی و ترس از تنبیه و سرزنش به ابراز وجود بپردازند و در موارد لازم از طریق رفتارهای منطقی و سازش‌یافته از حقوق خود دفاع کنند. علاوه بر این، کودکان مهارت‌های ارتباطی مؤثر را با مشاهده عملکرد صحیح والدین در روابط زناشویی و روابط والدین با خودشان از طریق تقلید و همانندسازی می‌آموزند و آنها را درون‌سازی می‌کنند. این امر به نوبه خود سبب می‌شود کودکان از راهبردهای مناسب در مواجهه با تعارض‌ها و موانع و مشکلات موقعیتی استفاده کنند و در روابط بین‌فردی با دیگران کمتر از رفتار پرخاشگرانه استفاده کنند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پرخاشگری فرزندان توسط انسجام خانواده قابل پیش‌بینی است که این یافته با نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی از جمله (نوروزی، ۱۳۸۲؛ قره‌باغی، ۱۳۸۹؛ امانیان، وصالی، دارابی و اسدی، ۱۳۹۱؛ راهجویان، ۱۳۹۲؛ حق‌دوست، اباذری، عباس‌زاده و درتاج رابری، ۲۰۱۴؛ برسلا و لوسیا، ۲۰۰۶؛ لیدی، گورا و تورو، ۲۰۱۰؛ لی، ۲۰۱۲؛ شارما، ۲۰۱۲؛ تایلر، مریلس، گوک-موری، شیرلو و کامینگز، ۲۰۱۴؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۴ و شارما و جوشی، ۲۰۱۵) همسو است. همه این پژوهش‌ها مؤید آن هستند که انسجام خانواده به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان است.

نتایج پژوهش حق‌دوست، اباذری، عباس‌زاده و درتاج رابری (۲۰۱۴) با هدف بررسی تأثیر عوامل خانواده بر رفتارهای بهداشتی پرخطر دانش‌آموزان حاکی از آن است که همبستگی و صمیمیت بین اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان و والدین، خانواده گرم با حمایت قوی، پیوندهای قوی بین پدر و مادر و فرزندان دارای اثر منفی معناداری بر رفتارهای بهداشتی پرخطر از جمله پرخاشگری است. در مقابل، همبستگی ضعیف بین اعضای خانواده، عدم همدلی پدر و مادر، عدم حضور یا حضور کم والدین در خانه پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر در کودکان است. در همین راستا، راهجویان (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان داد که عملکرد خانواده و ابعاد آن شامل کیفیت علاقه و نگرانی، مشارکت و همکاری، ارتباط و همراهی عاطفی اعضای خانواده و نقش‌ها قادر به پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان هستند. نتایج پژوهش نوروزی (۱۳۸۲) نیز حاکی از آن است که خانواده‌های منسجم، صمیمی و پاسخ‌گو قادر به پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان به‌طور معناداری هستند.

همچنین، لوسیا و برسلا (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که انسجام خانواده و تعارض درون خانواده پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری کودکان از جمله پرخاشگری است. افزون بر این، تعارض و انسجام خانواده به‌طور معنادار با مشکلات برون‌سازی‌شده کودکان همراه است. یعنی انسجام خانواده پایین‌تر و تعارض خانواده بالاتر با مشکلات برون‌یافته همراه است. بنابراین، سطح بالای انسجام خانواده، محافظ مشکلات رفتاری کودکان است. نتایج پژوهش شارما و جوشی (۲۰۱۵) نیز حاکی از آن است که محیط خانوادگی منسجم همراه با روابط حمایتی بین اعضای خانواده، همبستگی اعضا و در عین حال حفظ استقلال فردی و بیان احساسات با سطح درگیری کمتر، پیش‌بینی‌کننده سازش‌یافتگی بیشتر و پرخاشگری کمتر فرزندان است.

در تبیین این رابطه با استناد به پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت که خانواده منسجم، توسط جو خانوادگی حمایتی و تفاهم و درک اعضای آن شناخته می‌شوند، که اعضای آن تمایل به درک و کمک برای برطرف کردن نیازها و دغدغه‌های افراد خانواده دارند (نظیر و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین چنین

فرشته میرزایی کوتنایی، عباسعلی حسین‌خانزاده، فرهاد اصغری، ایرج شاکری نیا

ویژگی خانواده منسجم، سبب شکل‌گیری سرویس‌های حمایتی و حفاظتی درون خانواده می‌شود. از این رو در شرایط طبیعی در خانواده‌های به دور از تعارض و گسیختگی، ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و جامعه به خوبی منتقل می‌شود. و به گفته شارما (۲۰۱۲)، خانواده‌های بهنجار و منسجم، فرزندان را تشویق می‌کنند به تأثیر احتمالی رفتار خود بر دیگران فکر کنند. در نتیجه در این خانواده‌ها، بیشتر احتمال آن وجود دارد که فرزندان کدهای اخلاقی را درون‌سازی کنند. بنابراین کسب چنین کدهایی باعث عملکرد مناسب کودک و کاهش رفتار پرخاشگری می‌شود. از سوی دیگر، رشد و پرورش کودکان در خانه‌هایی که پر از تعارض و کشمکش بین والدین و اعضای خانواده باشد، نظارت و کنترل کافی بر کودکان وجود نداشته باشد و کودکان پیوسته از سوی والدین طرد شوند، فرصت‌های لازم برای آموزش این کودکان برای برآوردن نیازهایشان از راه مناسب وجود ندارد. این امر سبب می‌شود تا کودکان نتوانند از الگوهای ارتباطی مؤثر در روابط بین‌فردی خود با دیگران بهره‌مند شوند و موانع و مشکلات موقعیتی و تنیدگی‌ها را کنار زنند. بنابراین از راهبردهای ناکارآمدی چون پرخاشگری، برای مقابله با تعارض‌ها و رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. علاوه بر این، خانواده‌هایی که منسجم و حمایت‌گر هستند می‌توانند سرچشمه بازخوردهایی شوند که رشد شناختی، هیجانی و رفتاری را تقویت کرده، به طوری که کودکان و نوجوانان می‌توانند با شرایط مختلف و با شیوه‌های مؤثر مقابله کنند.

منابع

- امانیان، ا؛ وصالی، س؛ دارابی، آ؛ و اسدی، پ. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط عملکرد خانواده با پرخاشگری دانش‌آموزان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۸، ۴۸-۳۱.
- آهنگرانزایی، ا؛ شریفی‌درآمدی، پ؛ و فرج‌زاده، ر. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱، ۸-۱.
- جمشیدی، ب؛ رزمی، م؛ حقیقت، ش؛ و سامانی، س. (۱۳۸۷). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴، ۲۰۵-۱۹۹.
- حاجی‌زاده کاس احمدانی، م. (۱۳۹۲). بررسی نقش تعارض والدین بر اختلالات رفتاری کودکان مقطع ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- راهجویان، و. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عملکرد خانواده با پرخاشگری و عزت‌نفس دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهرستان نیریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رضایی، آ؛ و چراغی، س. (۱۳۹۰). نقش عملکرد خانواده در پرخاشگری و حرمت‌خود نوجوانان. *دومین همایش ملی روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- زارع، م؛ و سامانی، س. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۴، ۳۶-۱۷.
- سامانی، س. (۱۳۸۱). *بررسی مدل علی انسجام خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری*. پایان‌نامه دکتری منتشر نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- شهیم، س. (۱۳۸۵). پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای در کودکان دبستانی. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۹، ۴۴-۲۷.
- قره‌باغی، ف. (۱۳۸۹). نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۳، ۱۰۸-۸۹.
- کریمی، ی. (۱۳۹۲). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: پیام نور.

نوروزی، و. (۱۳۸۲). تاثیر سبک‌های رفتاری خانواده بر وضعیت روانی دانش‌آموزان و بر نگرش آنها به روابط انسانی در مدرسه. *نوآوری‌های آموزشی*، ۲، ۵۶-۳۱.

هدایتی، م. (۱۳۹۰). فلسفه برای کودکان و کنترل پرخاشگری. *تفکر و کودک*، ۲، ۱۳۴-۱۰۹.

- Al-Qaisy, L. M., & Turki, J. (2011). Family Relationship of Children with Behavior Disorders. *International Journal of Learning and Development*, 1, 1-13.
- Brendgen, M. (2012). Development of indirect aggression before school entry. *Encyclopedia on Early Childhood Development*, online, <http://www.child-encyclopedia.com/documents/BrendgenANGxp1.pdf>.
- Brotman, L. M., O'Neal, C. R., Huang, K. Y., Gouley, K. K., Rosenfelt, A., & Shrout, P. E. (2009). An experimental test of parenting practices as a mediator of early childhood physical aggression. *Journal Psycho Psychiatry*, 50, 235- 245.
- Card, N. A., Stucky, B. D., Sawalani, G. M., & Little, T. D. (2008). Direct and indirect aggression during childhood and adolescence: A metaanalytic review of gender differences, intercorrelations, and relations to maladjustment. *Child Development*, 79, 1185-1229.
- Dutt, D., Pandey, G. K., Pal, D., Hazra, S., & Dey, T. K. (2013). Magnitude, types and sex differentials of aggressive behaviour among school children in a rural area of West Bengal. *Indian Journal of Community Medicine*, 38, 109- 113.
- Ekinci, O., Topcuoglu, V., Bez, Y., Sabuncuoglu, O., & Berkem, M. (2011). Aggression during Early Childhood: Associated Factors in a Clinical Sample. *Marmara Medical Journal*, 24, 174-180.
- Estevez L. E., Perez, S. M., Ochoa, G. M., & Ruiz, D. M. (2008). Adolescent aggression: effects of gender and family and school environments. *Journal of Adolescence*, 31, 433- 450.
- Fang, c. y., Egleston, B. L., Brown, K. M., Lavigne, J. V., Stevens, V. J., Barton, B. A., & Dorgan, J. F. (2010). Family Cohesion Moderates the Relation Between Free testosterone and Delinquent Behaviors in Adolescent Boys and Girls. *Journal of Adolescent Helth*, 44, 590- 597.
- Haghdoost, A., Abazari, F., Abbaszadeh, A., & Dortaj Rabori, E. (2014). Family and the Risky Behaviors of High School Students. *Iran Red Crescent Medical Journal*, 16, 21-30.
- Harper, C. R. (2011). *The Early Parent-Child Relationship and Aggression: The Mediating Role of Language*. Thesis Master of Arts, In the College of Arts and Sciences, Georgia State University.
- Hosseinkhazadeh, A. A., Esapoor, M., Yeganeh, T., & Mohammadi, R. (2013). A Study of The Family Cohesion in Families with Mentally Disable Children. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 84, 749-753.
- Juang, L. P., & Alvarez, A. A. (2010). Discrimination and adjustment among Chinese American adolescents: Family conflict and family cohesion as vulnerability and protective factors. *American Journal of Public Health*, 100, 2403-2409.
- Leidy, M. S., Guerra, N. G., & Toro, R. I. (2010). Positive Parenting, Family Cohesion, and Child Social Competence Among Immigrant Latino Families. *Journal of Family Psychology*, 24, 252-260.
- Li, X. (2012). *Family Environment and School Environment as Predictors for Physical Aggression in Low-Income Children*. Master s Thesis, The Graduate College, University of Nebraska.
- Li, Y., Putallaz, M., & Su, Y. (2011). Interparental conflict styles and parenting behaviors: Associations with overt and relational aggression among Chinese children. *Merrill-Palmer Quarterly*, 57, 402-428.

- Liat, H., & Yael, A. (2012). Aggressive behavior in at-risk children: contribution of subjective well-being and family cohesion. *Child and Family Social Work*, 17, 284-295.
- Lucia, V. C., & Breslau, N. (2006). Family cohesion and children's behavior problems: A longitudinal investigation. *Psychiatry Research*, 14, 141-149.
- Meysamie, M., Ghalehtaki, R., Ghazanfari, A., Daneshvar-fard, M., & Mohammadi, M. R. (2013). Prevalence and Associated Factors of Physical, Verbal and Relational Aggression among Iranian Preschoolers. *Iranian Journal of psychiatry*, 8, 138- 144.
- Moretti, M. M., Odgers, C., & Jackson, M. (2004). *A Preliminary Look at Aggressive and Violent Behaviour in Aboriginal Adolescent Girls*. New York: Kluwer Academic.
- Nazir, S., Sidra, S., Malik, M. S., Falak, S., Zarqa, A., & Muhammad Rizwan, S. (2012). Parental Conflict And Its Effects On Youth Self Esteem (A Study At University Of Punjab). *International Journal of Asian Social Science*, 9, 1392-1400.
- Sharma, A. (2012). Aggressive Behavior in University Students: The Role of Family Environment. *Advances in Asian Social Science*, 3, 622-628.
- Sharma, M. & Joshi, H. L. (2015). Role of Family Environment and Parenting Style in Adjustment among Male Adolescents. *International Journal of Current Research and Academic*, 3, 252-263.
- Sijtsema, J. J., Nederhof, E., Veenstra, R., Ormel, J., Oldehinkel, A. J., & Ellis, B. J. (2013). Effects of family cohesion and heart rate reactivity on aggressive/rule-breaking behavior and prosocially behavior in adolescence: The Tracking Adolescents Individual Lives Survey study. *Development and Psychopathology*, 25, 699° 712.
- Singh, S., Lundy, M., Haymes, M., & Caridad, A. (2011). Mexican immigrant families: Relating trauma and family cohesion. *Journal of Poverty*, 15, 427-443.
- Snethen, G., Puymbroeck, M. V. (2008). Girls and Physical Aggression: Causes, Trends, and Intervention Guided by Social Learning Theory. *Aggression and Violent Behavior*, 13, 346- 354.
- Taylor, L. K., Merrilees, C. E., Goeke-Morey, M. C., Shirlow, P., & Cummings, E. M. (2014). Trajectories of Adolescent Aggression and Family Cohesion: The tential to Perpetuate or Ameliorate Political Conflict. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, Published online, <http://www.unboundmedicine.com/medline/journal>.
- Victor, M., Bernat, H., Bernstien, A., & Jayne, E. (2007). Effects of parent and family characteristics on treatment outcome of anxious children. *Journal of Anxiety Disorders*, 21, 835- 848.
- Wang, J., Liu, L., Wu, H., Yang, X., Wang, Y., & Wang, L. (2014). Agreement between parents and adolescents on emotional and behavioural problems and its associated factors among Chinese school adolescents: a cross-sectional study. *Bio Medical Psychiatry*, 14.
- Wike, T. L. (2011). *The Effectiveness of a Social Skills Intervention for Preventing Aggression in Chidren; an Evaluation of the Making Choices Intervention*. Doctoral dissertation, University of North Carolina.
- Xu, Y., Farver, J. A., & parenting, and Chine *Development*, 80, 244-